

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رابطہ انسان با آخرت

دورہ نہم، شمارہ، مضمون

دوره نهم، شماره هفتم / ۳

نام جزوه: رابطه انسان با آخرت

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

Error! Bookmark not defined. انسان و سعادت

Error! Bookmark not defined. سعادت چیست؟

Error! Bookmark not defined. سعادت در دنیای علم و صنعت

Error! Bookmark not defined. راه سعادت

Error! Bookmark not defined. شقاوت.....

Error! Bookmark not defined. عامل بازدارنده از سعادت

دوره نهم، شماره هفتم / ۵

از جمله سنتهای الهی در مورد انسان که قضاء و حکم حتمی الهی به آن تعلق گرفته و قابل تغییر و تبدیل نیست وجود مرگ برای انسان و بقا حقیقت و شخصیت حقیقی او پس از مرگ و حشر او در عالم آخرت است.

أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَّارْيَبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ^۱ و براستی که قیامت آمدنی است و هیچ شکّی در آن نیست و براستی که خدا مردگان را از قبرها برمی‌انگیزاند.

قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛^۱

بگو (ای پیامبر) صلی الله علیه وآله وسلم، خدا
شما را زنده می کند سپس شما را می میراند پس از
آن در روز قیامت شما را گرد می آورد. قیامتی که
شکی در آن نیست و لکن بسیاری از مردم نمی دانند.
آنچه برای یک مسلمان و معتقد به جهان
آخرت مهم است، چگونگی رابطه او با آن عالم
است، رابطه ای که هرگز خارج از دو صفت فضیلت
و رذیلت نیست. برای ارائه رابطه ای صحیح با عالم
پس از مرگ به بیان چند نکته اشاره می کنیم:

دوره نهم، شماره هفتم / ۷

* نکته اول اینست که تصور ما از رابطه با جهانی که نیامده، چگونه است؟ آخرت هنوز بوقوع نپیوسته، رابطه با آن چگونه تصور می شود؟ شخصی که زنده است و هنوز با مرگ و عالم پس از مرگ مواجه نشده، چگونه می تواند با آن رابطه داشته باشد. آنجا که از رابطه با خود، اجتماع، طبیعت و خدا سخن می گوئیم، خودی وجود دارد، خدا، طبیعت و اجتماع وجود دارند بعد می گوئیم با آنها رابطه مثبت داشته باشید. ولی آخرت هنوز نیامده، مرگ و عالم برزخ وجودی برای انسان موجود در دنیا ندارد. رابطه با موجودی که نیامده چگونه تصور می شود؟

پاسخ :

آنچه تحقق ندارد دو قسم است

۱- این که هرگز تحقق نمی‌یابد و نخواهد داشت و وجود پیدا نخواهد کرد.

۲- این که حقیقت پیدا کردن آن حتمی است .

مسئله است که انسان در رابطه با قسم اول، تصور صحیحی ندارد.

زیرا رابطه با آنچه نیست و در آینده هم وقوعی نخواهد داشت مورد پسند عقل نیست.

اما قسم دوم در صورتی که انسان در مرحله ای با آن مواجه خواهد شد، و عمل و رفتار او در کیفیت مواجه شدن و چگونه خواهد شد، و عمل و رفتار او در کیفیت مواجه شدن و چگونه بودن و ماندن و آن و با آن، مؤثر باشد؛ رابطه با آن قبل از

دوره نهم، شماره هفتم / ۹

وقوع مورد پسند عقل می باشد، و عقل حکم می کند، به این که آن را مورد توجه و نظر دقیق داشته و به گونه ای عمل کند که در هنگام وقوع آن در نهایت آرامش و راحتی باشد. فردا نیامده است، ولی چگونه زندگی کردن تو در امروز در چگونه بودن فردا بسیار مؤثر است کسالت و تنبلی امروز در کارهای مربوط به آن روز، فقر و ناداری فردای تو را به همراه دارد، و تلاش و کار و ذخیره امروز تو، دارایی و سرفرازی فردا را با خود به ارمغان می آورد. رعایت بهداشت تن و روان در ایام کودکی سبب سلامت روح و روان انسان در ایام جوانی است که نیامده و روزی با آن مواجه خواهد شد. قیامت حقیقتی است که برای انسان در دنیا واقعیت نیافته و لکن آمدن آن در دیدگاه

اسلام امری حتمی است، حقیقتی که روزی با آن روبرو خواهیم شد. هر چند الان نیست ولی فردایی است که کیفیت روبرویی با آن و چگونه ماندن در آن را امروز تعیین می کند. بنابراین رابطه با عالم آخرت در دنیا، رابطه با چگونه برخورد کردن با آن و چگونه زیستن و بودن و ماندن در آن است.

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ
السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ
يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَسَاءَ مَا يَزِرُونَ^۱ آنان
که قیامت و لقاء (ثواب و عقاید) خدا را تکذیب
کردند براستی که زیانکار شدند تا آنگاه که ساعت
(قیامت) ناگهان آنها را فرا رسد گویند ای حسرت بر

دوره نهم، شماره هفتم / ۱۱

ما که آسایش و سعادت این روز خود را از دست دادیم و تقصیر کردیم در عبادت و اطاعت خدا در دنیا پس بار گناهان خویش را بر پشت گیرند آری بدبار گرانی است که بدوش می گیرند این وزر و وبال را.

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ^۱ دنیا جز بازیچه و سرگرمی چیزی نیست و حتماً خانه آخرت برای آنانی که تقوا را (در دنیا) برگزینند بهتر است (از بازیها و سرگرمیهای دنیوی) آیا (در این مورد) تعقل نمی کنید.

تصدیق و تکذیب عالم آخرت و نیز تقوای الهی در دنیا با کیفیت زیستن در عالم آخرت رابطه دارد. و اشخاص عاقل و دارای اندیشه عقلانی باید متوجه این رابطه باشند.

* نکته دوم تلاش برای کسب اخلاق انسانی و برخوردار شدن از صفات فضیلت، آنگاه معنا و مفهومی معقول پیدا می کند، که در رابطه با عالم قیامت ملاحظه شود. ترک رذائل اخلاقی و گذشتن از بسیاری از لذات و زیبایی دنیوی برای کسب فضائل انسانی، زمانی معقول است که برای آن نتیجه و ثمره ای لحاظ شود. و شک نداریم که مهار خواسته های نفسانی در دنیا (احیاناً) ضرر دنیوی را به همراه دارد. و شاید هرگز در دنیا جبران نشود و آنجا که یک

دوره نهم، شماره هفتم / ۱۳

عمل صالح مساوی با مرگ شخص است (مانند شهادت در راه خدا) بطور حتم، ثمره دنیوی برای شخص به همراه ندارد. از لحاظ ثمره و نتیجه برای چنین اعمالی فقط در رابطه انسان با قیامت، ممکن است و چنانچه رابطه با آخرت را مورد نظم قرار ندهیم، پیروزی با انانی است که از هر طریق ممکن به خواسته های نفسانی می رسند و منفعت دنیوی را بر هر منفعت دیگر ترجیح می دهند و به دنیاطلبی خود معنا و مفهوم می بخشند. آنجا که رابطه با آخرت لحاظ می شود متاع دنیا، توصیف به قلیل بودن است و انتخاب دنیا بر آخرت امری پوچ و بی مایه محسوب می شود.

وَفَرَحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي
الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ: ^۱ (این مردم کافر) به خوشی و
شادمانی زندگی دنیا خوشحال شدند و حال اینکه
زندگی دنیا در قبال آخرت جز متاع (موقت) و
ناقابلی نیست. با توجه به این نکته رابطه با اجتماع،
خود و طبیعت همیشه در راستای رابطه با خدا باید
باشد.

* نکته سوم آنچه در رابطه با عالم آخرت لازم
است مورد توجه واقع شود اینست که شخص، رابطه
با آخرت را رابطه با ثمره و نتیجه اعمال و رفتارهای
موجود در دنیا ملاحظه کند. و دنیا را جایگاه کشت و
سعی و تلاش بداند. عالم آخرت انعکاسی از عالم

دوره نهم، شماره هفتم / ۱۵

دنیاست، نه انعکاسی از ظواهر دنیا بلکه نموداری از باطن آن، ممکن است ظاهر عملی درد، رنج و گرفتاری باشد اما از باطنی الهی و انسانی برخوردار باشد. آنچه پس از مرگ و نیز در عالم قیامت ظهور فعلی می یابد همان باطن انسانی آن است نه درد و رنج، و نیز ممکن است ظاهر عملی لذت راحتی و آسایش باشد. اما باطنی خبیث داشته باشد. در عالم آخرت همان باطن زشت ظهور پیدا می کند نه آسایش و لذت آن. *إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا لِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى*^۱: براستی و محققاً قیامت خواهد رسید، میخواهم وقت قیامت را پنهان دارم تا (مردم

آزمایش شوند و) هر نفسی به پاداش (نیک و بد) اعمالش در آن روز برسد.

إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ، يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ: البته خداوند بر زنده کردن دوباره (انسان) پس از مرگ قادر است. (و این رجعت) در روزی (است) که اسرار و نهران ها آشکار شوند.

انسان خواه توجه به عالم آخرت و نتیجه اعمالش در آن جهان داشته باشد و خواه بدون التفات باشد تأثیر در واقعیت (یوم تبلی السرائر) ندارد. او محصول پنهان کاریها و رفتارش را مشاهده خواهد کرد لکن التفات به این که رابطه با آخرت، رابطه با ثمره و نتیجه اعمال در دنیاست، سبب رابطه مثبت با

دوره نهم، شماره هفتم / ۱۷

جهان قیامت می شود. و انکار چنین رابطه ای و یا بی التفاتی به آن کافی است، آدمی را در طریق جهنم (نعوذ بالله) قرار دهد.

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومَذُ يَتَفَرَّقُونَ، فَأَمَّا الَّذِينَ
آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ، وَأَمَّا
الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَئِكَ فِي
الْعَذَابِ مُخَضَّرُونَ؛^۱ و روزی که (قیامت) بر پا شود و
آن روز، خلائق (برحسب کفر و ایمان و مراتب
طاعت، معرفت و عصیان) جدای از هم، و فرقه فرقه
شوند. اما آن فرقه که ایمان آوردند و به کارهای
شایسته پرداختند در آن روز مسرور و شادمان و
محترم به باغ خرم و شاداب بهشت منزل گیرند و اما

آن فرقه که کافر شدند و آیات ما و حیات و دیدار آخرت را تکذیب کردند آنان را (برای کیفر) در عذاب دوزخ حاضر کنند. روز قیامت که بر پا شود عذاب منکرین قهری است چنانکه سرور ایمان آورندگان حتمی است.

* نکته چهارم رابطه با عالم آخرت خواه به نحو رابطه ای مثبت و یا منفی انسان را متوجه می سازد که، به خود واگذاشته نشده و خداوند متعال بر حرکات و اعمال او، هر چند ناچیز و کوچک نظارت کامل دارد و خلقت جهان و انسان عبث و بیهوده نیست.

دوره نهم، شماره هفتم / ۱۹

أَفحسبتم انما خلقناكم عبثا وانكم الينا لاترجعون؛^۱

آیا چنین پنداشتید که ما شما را به عبث و بازیچه آفریده ایم و (پس از مرگ) هرگز به سوی ما باز نخواهید گشت. از این آیه شریفه استفاده می شود که اگر خدای متعال مردم را برای همین دنیا آفریده بود، نه برای عالم آخرت و بازگشت بسوی خودش، آفرینش آنها عبث و بیهوده بود و فرمود: وَ نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَ اِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ اُتَيْنَابِهَا وَ كَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ؛^۲ و ما ترازوهای عدل را برای روز قیامت خواهیم نهاد و ستمی به هیچ نفسی نخواهد شد و اگر عملی به قدر

۱ . سوره مؤمنون، آیه ۱۱۴.

۲ . سوره انبیاء، آیه ۴۷.

دانه خردلی باشد در حساب آریم و تنها علم ما از همه حساب گران کفایت خواهد کرد.

مفسرین گفته اند که مراد از این جمله عمل انسان است از خیر یا شر که خداوند آنرا در قیامت حاضر می کند یا دین او به دیگران است که اگر به وزن خردل هم باشد به حساب می آید، و اگر انسان هر چند اندک به خود و گذاشته شده بود به حساب آوردن خردل از عمل معنا و مفهومی نداشت.

بنقل از قرآن مجید لقمان در این مورد به پسرش گفت: يَا بَنِيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ^۱ ای فرزندم براستی که

دوره نهم، شماره هفتم / ۲۱

خداوند اعمال و خصلتهای خوب و بد مردم را اگر چه به مقدار خردلی در میان سنگی یا در آسمان هایا در زمین پنهان باشد همه را (در محاسبه) می آورد که خدا توانای دقیق و آگاه است.

توجه انسان به جهان آخرت و رابطه مثبت با آن سبب به نظم در آمدن اعمال و رفتار ارادی انسان است. ضامن اجراء عدالت و تسلیم شدن به او امر و نواهی الهی است. در بردارنده پاکی روح و نیالودن آن به ذره ای از گناه است. انحراف از وابستگی محض ارادی هر چند ناچیز باشد و قرار گرفتن در صراط وابستگی خالص ارادی ولو به اندازه یک خردل باشد، در قیامت کیفر و پاداش آن را خواهد دید. فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ

ذَرَّةً شَرًّا يَرَهُ^۱؛ پس هر کس به قدر ذره ای کار خوب و نیک انجام داده باشد (پاداش) آن را خواهد دید و هرکس به قدر ذره ای کار زشت و بد مرتکب شده باشد (کیفر) آن را خواهد دید.

خلاصه این که رابطه با عالم آخرت در بردارنده وابستگی خالص ارادی انسان به خداست.

* نکته پنجم رابطه اعتقادی با عالم آخرت اثری خالص در بینش انسان نسبت به خود و مرگ دارد و آن این که وقتی ما رابه ایمان آوردن به قیامت دعوت می کنند، در واقع به ما می باورانند که حقیقت وجودی تو امری است که جاوید می ماند و با مرگ نیست نمی شوی، بلکه مرگ پلی است که تو

دوره نهم، شماره هفتم / ۲۳

را از عالم دنیا به عالم دیگر انتقال می دهد. به عبارت دیگر مرگ پلی است ما بین دنیا و آخرت تو. انانی که رابطه اعتقادی به آخرت ندارند چنین گمان می برند که پس از مرگ و پوسیدن بدنشان، نیست می شوند و اثری از آنها باقی نمی ماند ۲ و به همین جهت استدلال می کنند که پس از مرگ چیزی باقی نیست تا به عالمی دیگر انتقال پیدا کند. این نوع تحلیل از آخرت و مرگ و انسان، تحلیلی در ظرف احساس می باشد. و اثر چنین تحلیلی نفی رابطه اعتقادی با آخرت است و در جای خود این مطلب تبیین شده که رابطه اعتقادی با دین و مسائل اصولی آن معلول فطرت و درک عقلی است. وقتی قرآن بازگشت به سوی خدا را مطرح می کند به طور

غیرمستقیم بیان می‌دارد که حقیقت وجودی تو نمی‌میرد، نمی‌پوسد، نیست نمی‌شود بلکه پس از مرگ باقی می‌ماند و به این نحو نوعی معرفت به نفس را به انسان می‌دهد.

* نکته ششم درک انسان از معاد درکی عقلی است. و انسان در مرتبه درک حسی قادر به فهم آن نیست و درک عقلی ما از معاد و عالم پس از مرگ کلی بوده و نمی‌توان توسط عقل به جزئیات آن پی برد. را معرفت به مسائل جزئی معاد، وحی است که پیامبران از طریق وحی به آن آگاه می‌شوند و مردم به واسطه پیامبران به شناخت آن نائل می‌گردند.

به همین جهت رابطه انسان با آخرت رابطه‌ای حسی و تجربی نیست، بلکه رابطه‌ای عقلانی می‌

دوره نهم، شماره هفتم / ۲۵

باشد. کسانی که با تکیه بر حسّ و تجربه می خواهند معاد و مسائل آن را بفهمند و با آن رابطه ای حسی داشته باشند. ثمره ای جز انکار معاد و نادیده گرفتن این واقعه عظیم و حوادث آن برایشان نخواهد داشت و رابطه آنان با آخرت صرفاً جنبه منفی پیدا خواهد کرد. به بیان قرآن مجید، اینان از اصحاب جهنّم هستند.

لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ؛^۱

اگر - حقایق دینی و اصولی و احکام دین را - می شنیدیم و یا - درباره آنها - تعقل می کردیم از یاران جهنّم نبودیم.

پس از بیان نکات فوق به بررسی کیفیت رابطه صحیح با جهان آخرت و فوایدی که بر آن مترتب است. (به اختصار می پردازیم:

رابطه صحیح با آخرت

چگونگی آخرت هر فردی وابسته به کیفیت ایمان، اعتقاد و نحوه روابطی است که با مراتب وجودی خود و رابطه با اجتماع، طبیعت و از همه مهمتر با خدا دارد. تحقق رابطه صحیح با آخرت معلول ظهور فعلی رابطه صحیح با موارد فوق است. زیرا با توجه به نکته دوّم رابطه با آخرت، رابطه با ثمره و نتیجه اعمال و رفتار است. اگر روابط فوق روی موازین عقل و دین باشد، رابطه صحیح بوده و ثمره و نتیجه اعمال مثبت خواهد بود و در غیر این صورت رابطه.

دوره نهم، شماره هفتم / ۲۷

خارج از موضع مناسب بوده و ثمره و نتیجه منفی را به همراه خواهد داشت. در اینجا به آثار مثبت و منفی رابطه با آخرت اشاره می‌کنیم:

رابطه مثبت با آخرت در دنیا

رابطه مثبت عبارت از رابطه عقلانی و دینی با عالم پس از مرگ است. این رابطه از دو بُعد مثبت برخوردار است:

۱. بُعد علمی رابطه مثبت با آخرت.

۲. بُعد عملی رابطه مثبت با آخرت.

بعد علمی رابطه مثبت با آخرت.

ارتباط مثبت با عالم آخرت این امر علمی را در نفس ایجاد می‌کند که جایگاه اصلی انسان دنیا نیست. بلکه جایگاه ابدی او در سرایی دیگر بوده و با

توجه به چگونگی خُلق او تعیین می شود. انسان با علم به این مطلب، آگاه می گردد که دنیا جز راهی به سوی آخرت نیست، و گذشتِ هر لحظه ای از لحظات عمر، انسان را به عالم پس از مرگ نزدیک می کند تا آنجا که به مرحله ای از بزرگسالی می رسد که قابلیت ماندن در دنیا را از دست می دهد. و با دریافت روح توسط فرشته مرگ به عالم پس از مرگ انتقال پیدا می کند.^۱ با توجه به این که ارتباط او با عالم آخرت در شعاع درک توحیدی از هستی آخرت، می باشد و اعتقاد به حاکمیت اصل حکمت

۱. قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ! سوره های السجده، آیه ۱۱. اعراف، آیه ۳۷. انفال، آیه ۴۰. نحل، آیه ۳۲.

دوره نهم، شماره هفتم / ۲۹

بر دنیا و آخرت دارد، دنیا را به عنوان راهی به آخرت ملاحظه می کند که تعیین کننده کیفیت معیشت در آن عالم است.^۱ پس به این فهم نائل می شود که باید توجه لازم بلکه کافی به اعمال و گفتارش داشته باشد. و از محدوده خواسته های دین و عقل خارج نشود. زیرا در آن عالم مواجه می شود با آنچه از دنیا بدان جا فرستاده است^۲ و برای این که از محدوده

۱. الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ،
إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ، أُولَئِكَ
الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ. سوره
نمل، آیه ۳-۴.

۲. يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ
مِنْ سُوءٍ... سوره ال عمران، آیه ۳۰.

خواسته های دین و عقل خارج نشود، خود را
مسئول شناخت دین و حکم عقل قرار می دهد و به
معرفت احکام و حقایق دین قیام می کند.

علم به این که آخرت هست کفایت نمی کند
بلکه باید به طور دقیق آن را شناخت و از کیفیت و
چگونگی آن عالم باخبر شد. هر قدر معرفت ما
نسبت به آن عالم بیشتر باشد، پرده از عظمت آن
بیشتر برداشته می شود. و در این هنگام دنیا هر چند
هم زیبا جلوه کند در دید ما کوچک و تحقیر شده
است!

۱ . چنانکه امیرالمؤمنین - صلوات الله علیه - فرمود: وَاللَّهِ
لَدُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَهْوَنُ فِي عَيْنِي.

دوره نهم، شماره هفتم / ۳۱

بُعد علمی رابطه انسان با آخرت با توجه به بیان عقل و دین افراد معتقد را به معرفتی عالی از دنیا و آخرت و کیفیت زندگی در دنیا می‌رساند. که به اختصار به توضیح آن می‌پردازیم. عالم برزخ و پس از آن عالم قیامت. دو جهان وسیعتر از دنیا هستند و به همین جهت محیط بر دنیا می‌باشند^۱. دنیا به جهت ظرفیت بسیار محدود که دارد، حقّ و باطل در آن در آمیخته و شناخت حق از باطل چه بسا بسیار دچار مشکل می‌شود. و حقایق آنچنان در آن پنهان می‌ماند که هرگز ظهوری پیدا نمی‌کند و خوبیها و بدیها احیاناً ظهور ندارند و بطون اعمال واقعیت خود را نشان نمی‌دهد. و زمانی ظاهراعمال بد زیبا جلوه

۱. به کتاب معاد شناسی، ج ۲، مجلس یازدهم رجوع شود.

کرده و زمانی خوبیها در نظرها بد جلوه می کنند. اما جهان برزخ ظهور فعلی حقایق در قالب مثال است. و برخی از حقایق هویدا و روشن می شود؛ به این نحو که دریچه ای از جَنّت و بهشت و یا دوزخ و جهنم به روی شخص گشوده می شود. اما در قیامت هیچ چیز فروگذار نمی شود و حقایق به تمام و کمال از خوب و بد و... ظهور فعلی و تجسّمی پیدا می کند. آیه «یوم تبلی السرائر»^۱ گواه روشن مطلب فوق است. آیاتی که از قیامت به عنوان یوم الفصل^۲، یوم مشهود^۳ یوم الحَقّ، یوم تَشْخِصُ فیه الابصار^۴ و... یادکرده،

۱. سوره آل عمران، آیه ۳۰.

۲. سوره الصّافات، آیه ۲۱، سوره المرسلات، آیه ۳۸.

۳. سوره هود، آیه ۱۰۳.

۴. سوره ابراهیم، آیه ۴۲.

دوره نهم، شماره هفتم / ۳۳

دلالت به ظهور حقایق پنهان در آن روز دارد. و این آیه که در خصوص افراد مجرم نازل شده است «وَ وُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ، مَشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَ يَقُولُونَ يَا وَيَلَّتْنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَ وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَ لَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا»: و کتاب (نامه اعمال در قیامت) گذارده می شود پس گناهکاران را می بینی از آنچه در آن (نامه اعمال) است ترسان و وحشت زده اند و می گویند: ای وای بر ما! این چه کتابی است، که هیچ (عمل) کوچک و بزرگ وانگذاشته است جز این که آن را شماره کرده است؟ و آنچه (در دنیا) انجام داده است حاضر می بینند و پروردگار تو به احدی ظلم و

ستم نمی کند و نیز آیاتی که بیانش در ظهور فعلی اعمال در روز قیامت است، چون آیه ۱۴ از سوره تکویر: عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ.

بنابراین علم به این که دو جهان برزخ و قیامت محیط بر ما و اعمال ما است و آنچه در دنیا انجام می گیرد در قیامت تجسم خواهد یافت، بیانگر رابطه خاصی است که بین این دو جهان وجود دارد. و اینطور نیست که دنیا و آخرت، دو پدیده ای در نهایت بیگانه از یکدیگر باشند. با توجه به چنین معرفتی، کوچکترین حرکتی که در دنیا دارد، و نمود و شکل و اثری در آخرت. و پس از انتقال حقیقت وجودی انسان به عالم برزخ و سپس به عالم قیامت، برای ما آشکار خواهند شد هر چند گاهی برای

دوره نهم، شماره هفتم / ۳۵

صاحبان نفوس زکیه (انبیاء، اوصیاء، اولیاء دین و پیروان صدیق آنها) در همین دنیا نیز ظاهر و روشن است، به داستان ذیل توجه کنید:

نبی اکرم حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) بعد از نماز صبح در مسجد چشمش به جوانی افتاد... پس به او فرمود: چگونه صبح نمودی؟ عرض کرد: صبح کردم در حالی که مؤمن حقیقی و ثابت و پا برجا هستم. حضرت فرمود: برای هر امر حق و ثابتی حقیقتی است، پس حقیقت ایمان تو چیست؟ عرض کرد: ای رسول خدا، براستی همین یقین مرا محزون و اندوهگین ساخته و بیداری شب و تشنگی روزهای گرمم بخشیده و از دنیا اعراض نموده و اعتنایی به آن ندارم (حبّ دنیا در دلم نیست) تا (آنجا

در یقین (پیش رفته ام که گویا عرش پروردگار را مشاهده می کنم که برای رسیدگی به حساب (آفریدگان) برپا شده و مردم برای حساب محشور شده اند و من در میان آنها هستم . و گویا اهل بهشت را نظاره می کنم که در بهشت راحت و بهره مند از لذات هستند و بر تختها تکیه زده اند و یکدیگر را معرفی می کنند. و گویا اهل جهنم را می نگرم که در آن دچار عذاب هستند و (با آه و ناله) فریادرس می طلبند و گویا الان صدای زبانه کشیدن آتش دوزخ را می شنوم به نحوی که در گوشم طنین افکنده است. رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) به اصحابش فرمود: این جوان بنده ایست که خداوند قلبش را به نور ایمان منور و روشن ساخته است. سپس به او

دوره نهم، شماره هفتم / ۳۷

فرمود: بر این حال که هستی ثابت باش. جوان عرض کرد: ای رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) از خدا بخواهید که شهادت در رکاب شما را روزیم گرداند. رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) برای او دعا کردند، زمانی نگذشت که در جنگی به همراه پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) خارج شد و بعد از نه نفر به مقام شهادت رسید و او دهمین فرد از شهداء آن جنگ بود!

به هر حال چنین معرفتی در رابطه با آخرت اثر عالمانه خود را در نگرش به دنیا نسبت به آخر و آخرت نسبت به دنیا خواهد گذاشت. چنانکه قرآن با چنین دیدی از آخرت به توصیف دنیا پرداخته و آن

را سرای فانی^۱، متاع قلیل^۲، متاع غرور^۳ و لعب و لهو^۴ دانسته است. این نگرش به دنیا، بیانگر حرکت مثبت فکری آنانی است که دنیا را با توجه به وجود آخرت تفسیر می کنند و نگاه استقلال‌ی به دنیا در قبال آخرت ندارند. و با چنین سنجشی آخرت را ستوده و جایگاه خیر می شناساند، البته برای آنانی که در مسیر صحیح هستی گام نهند و از صراط مستقیم عبودیت منحرف نگردند. وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ: زندگی

۱. سوره الرحمن، آیه ۲۶.

۲. سوره توبه، آیه ۳۸.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۸۴؛ سوره حدید، آیه ۲۰.

۴. سوره انعام، ۳۲، سوره عنکبوت، آیه ۶۴.

۵. سوره انعام، آیه ۳۲؛ سوره اعراف، آیه ۱۶۹.

دوره نهم، شماره هفتم / ۳۹

دنیا جز لعب و لهو نیست و خانه آخرت بهتر است
برای آنانی که تقوا برگزیدند. آیا پس تعقل نمی کنید.
رابطه تعقلی شما با آخرت و مقایسه آن با دنیا
و نگرش به دنیا در شعاع اعتقاد به آخرت این آگاهی
را به شما ارزانی خواهد داشت. که آخرت بهتر است
اگر رابطه مثبت با آن داشته باشید. رابطه علمی با
آخرت این آگاهی را نیز به شما می دهد که آخرت
جهان قرار، ثبات و ابدی و همیشگی است. و مؤمن
ال فرعون که از جمله افرادی است که رابطه مثبت
شناختی با آخرت دارد، و در شعاع آن شناخت به دنیا
می نگرد، رو به قوم و مردم جامعه خویش کرده می
گوید: يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ

دارُالْقَرَارِ: ^۱ ای قوم من براستی و حقیقت که زندگی دنیا جز متاع ناچیزی نیست و آخرت حقیقتاً خانه ثبات و جاوید است.

دنیا را در شعاع شناخت صحیح از آخرت ملاحظه کردن و به ارزیابی آن پرداختن ، علم به چگونه بودن در دنیا و چه رنگی پیدا کردن را نیز در نفس به نحو کلی ترسیم می کند و آن علم به اینست که دنیا کشت زار آخرت است ^۲. دنیا نسبت به آخرت عنوان مزرعه ای را دارد که آنچه در آن کشت شود، پس از پایان یافتن مدّت آن محصولی مناسب با همان کشت خاص را خواهد داد. به همین جهت شخص

۱ . سوره مؤمن (غافر) آیه ۳۹.

۲ . الدنيا مزرعة الآخرة.

دوره نهم، شماره هفتم / ۴۱

معتقد و متوجه به چگونگی دنیا و آخرت، این فهم را پیدا می کند، که تنها راه نجات در آخرت و داشتن زندگی راحت و دائمی در گرو افشاندن بذری است که محصول آن بهشت، رضوان و رحمت خاص الهی باشد. و چنین بذری در هستی ادراکی توحیدی عبودیت است که همان تسلیم و وابستگی خالص ارادی به خدای متعال می باشد. حضرت نوح - سلام الله علیه - ضمن فراخوانی مردم به بندگی خدا آنان را از عذابی که برای سرباز زندگان از عبودیت، مهیا شده، هشدار می دهد. **أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنَّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ**^۱: جز خدا را نپرستید برآستی که من بر شما عذاب روزی دردناک را می ترسم .

و آنانی که بذرعبودیت غیرخدا را در مزرعه نفس و دنیا پاشیده اند، محصول آن در قیامت جهنم است و آتشی که در آن برافروخته می شود. **إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ**: (در روز قیامت خطاب به کافران گفته می شود) براستی که شما و آنچه را که غیر خدا مورد پرستش قرار دادید امروز همه آتش افروز دوزخید و در آن آتش وارد می شوید.

با توجه به رابطه علمی مثبت با آخرت به بیان بعد رابطه عملی مثبت با آخرت می پردازیم.

بُعد عملی رابطه مثبت با آخرت

بُعد عملی رابطه مثبت با آخرت، در شعاع چند رابطه ظهور فعلی پیدا می کند:

۱- رابطه با خدا

۲- رابطه با خود

۳- رابطه با اجتماع

۴- رابطه با طبیعت^۱

رابطه مثبت با آخرت ما را به رابطه صحیح و دقیق با خدا، خود، اجتماع و طبیعت فرا می خواند. و مثبت بودن رابطه عملی با آخرت اینست که رابطه با خدا محیط بر دیگر روابط باشد. به عبارت دیگر رابطه با خود، اجتماع و طبیعت در شعاع رابطه با خدا

۱. در چند شماره قبل راجع به این روابط سخن گفته ایم.

انجام می شود. البته تحقق رابطه مثبت با خدا رابطه صحیح و درست با رسول و جانشینان بر حق رسول است^۱. در چند مقاله قبلی تا حدود امکان رابطه صحیح با خدا، خود، اجتماع و طبیعت را ترسیم کردیم. آیات الهی حاکی است که قیامت نمودی از اعمال انسان است^۲ و بهشت و نعمتهای وافر از جانب خداوند متعال نمود اعمال نیک است نمودی از رابطه صحیح با خود، اجتماع، طبیعت، و در رأس آنها رابطه با خدا.

۱. اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم.

۲. الی الله مرجعکم جمیعاً فینبئکم بما کنتم تعملون، سوره

دوره نهم، شماره هفتم / ۴۵

...وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ

سَاعَةً وَلَا يَسْتَعْدِمُونَ^۱: هر قومی را دوره ای و اجل معینی است که چون فرا رسد لحظه ای مقدم و مؤخر نتواند کرد.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ^۲: و آنانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند در گلزارها و جاهای باصفای بهشت هستند و آنچه بخواهند، در نزد پروردگارشان، برایشان مهیا است. این همان فضل و رحمت بزرگ خداوند است.

۱. سوره اعراف، آیه ۳۴.

۲. سوره شوری، آیه ۲۲.

اعمال خواه جوانحی باشند یا جوارحی، دارای دو جنبه هستند یکی جنبه دنیوی آنها است، که در محدوده زمان و مکان انجام می گیرند و بعد از انقضاء زمان آنها، دیگر لمس نمی شوند و نمودی ندارند جز آثار مادی عمل، مانند ساختمانی که اثر مادی بناء و کارگران است و یا کشف و اختراع یک وسیله مادی که اثر اندیشه توأم با عمل جوارحی است. حرکاتی که بناء و کارگران انجام داده اند و یا حرکات اندیشه ای و جوارحی که توسط مخترع انجام شده با به پایان رسیدن زمان آن پایان یافته و دیده نمی شود؛ زیرا جنبه دنیوی بقاء و دوامش وابسته به بقاء و دوام شرائط طبیعی آن دارد و آنگاه که عمر آن شرایط پایان یافت دیگر دوامی برای آن

دوره نهم، شماره هفتم / ۴۷

نیست و اما جنبه دیگر اعمال، جنبه ملکوتی آنها است. که وابسته به نفس انسان می باشد، و معلول نیت و انگیزه و مرتبه ای از نفس است که از آن صادر می شود و دیگر این که تا چه اندازه عقل و دین به آن نظر دارد. اگر نفس عمل به طور جامع مورد تأیید عقل و دین باشد و شخص در انجام آن انقطاع کامل از هواهای نفسانی و امور دنیوی داشته باشد و انگیزه اش رضایت خدا باشد، جنبه ملکوتی چنین عملی الهی بوده و شخص دارنده چنین عملی داخل در رحمت خاص خدا می شود و در جنات عدن مسکن می گیرد. فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ

الْمُؤْمِنِينَ^۱: اما آنانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، خداوند آنها را در رحمت خود داخل می‌سازد، این است کامیابی و سعادت آشکار.

جهاد در راه خدا از جمله اعمالی است که صد در صد مورد تأیید عقل و دین است، آنگاه که مؤمن به خدا و رسول باجان و مالش به دفاع از حریم حق و حفظ نظام دینی قیام می‌کند عملش سبب غفران و مسکن گرفتن در بهشت عدن می‌شود و در واقع آن عمل است که سیئات و بدیها را شسته و پس از مرگ، در قیامت به صورت بهشت تجسم پیدامی‌کند. و این همان رحمت خاص خدا و فوز مبین است. به آیات ذیل بنگرید.

دوره نهم، شماره هفتم / ۴۹

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ
مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ، تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
تَعْلَمُونَ، يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ
الْفَوْزُ الْعَظِيمُ^۱: ای آنانی که ایمان آورده اید آیا دلالت
کنم شما را بر تجارتی که از عذاب دردناک نجات
دهدورهایی بخشد؟، به خدا و رسولش ایمان آورید
و در راه خدا با اموال و جانتان جهاد کنید اگر دانا
باشید این (ایمان و جهاد) برای شما بهتر است (از
علاقه و متاع دنیا)، (خداوند به وسیله این کار)
گناهانتان را می بخشد و شما را در باغهایی از بهشت

داخل می کند، بهشتی که نهرها از زیر درختانش جاری است و در بهشتهای جاودانی منزلهایی نیکو عطا فرماید این همان رستگاری بزرگ است. و اما اگر عمل از حدود عقل و شرع خارج باشد یا به این صورت که نفس عمل مورد تحریم واقع شده به نحوی که هرگز در شرایط عادی، مطلوب دین و عقل نیست و یا به این صورت نفس عمل جایز و احیاناً واجب است و لکن خروجش از مسیر حقّ به جهت صفتی است که از طریق انگیزه نامطلوب نفس به آن اضافه شده، مانند خواندن نماز از روی ریا و یا انفاق مال به جهت شهرت و رسیدن به هواهای پست شهوات مادی و حیوانی، و یا تواضع و احترام گذاشتن به دیگران برای رسیدن به مطامع دنیوی و...

دوره نهم، شماره هفتم / ۵۱

جنبه ملکوتی چنین عملی بسیار زشت است و در قیامت بلکه در برزخ به صورت موجودات مؤذی و یا آتش تجسّم پیدامی کند. خوردن مال یتیم از جمله اعمالی است که نفس آن مورد تحریم واقع شده و حقیقت تجسّمی این عمل آتش است. **إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا** و **سَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا**؛^۱ براستی آنانی که اموال یتیمان را به ظلم می‌خورند. جز این نیست که آتش می‌خورند و به زودی به آتش سوزانی می‌رسند و نیز از جمله اعمالی که دارای ملکوتی زشت هست و صورت ناری در عالم برزخ و قیامت دارد کتمان حق، و حق را وسیله دنیاخواری خویش قراردادن است. **إِنَّ الَّذِينَ**

۱. سوره نساء، آیه ۱۰.

يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا
أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^۱: به حقیقت
کسانی که آنچه خدا از کتاب نازل کرده، کتمان
می‌کنند و (آن را) به بهای کمی (که متاع دنیا است)
می‌فروشند آنها جز آتش در شکمهای خویش چیزی
نمی‌خورند (و آنچه اموال از این طریق بدست
می‌آورند آتش سوزانی است) و خداوند روز قیامت
با آنها سخن نمی‌گوید و آنها را تزکیه (و پاک)
نمی‌کند و برای آنها عذابی دردناک (در آخرت)
است. به هر حال اعمال انسان اگر چه بعد دنیوی آن
که محدود به زمان و مکان خاص است از بین

دوره نهم، شماره هفتم / ۵۳

می‌رود و لکن بعد ملکوتی آن در نفس باقی می‌ماند. و اشخاص در قیامت آن را به نحو کامل و تمام دریافت خواهند کرد. فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَا لَهُمْ لِيَوْمٍ لَارِيبَ فِيهِ وَ وُقِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ؛^۱ پس چگونه خواهد بود، آن هنگامی که آنها را جمع کنیم در روزی که شکی در آن نیست (قیامت) و به هر کس آنچه کرده و (از اعمال و صفات) بدست آورده داده شود. و به اینان ستمی نخواهد شد. (بلکه محصول اعمال خود را می‌چینند).

و آیه ای که ظهوری عالی در حضور فعلی اعمال در نزد عمل کننده در قیامت دارد، آیه ۳۰ از سوره آل عمران است. يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ

۱. سوره آل عمران، آیه ۲۴.

خَيْرٍ مُّحَضَرًا وَ مَا عَمِلْتَ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ
أَمَدًا بَعِيدًا وَ يُحَذِّرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ؛

روزی که هرکس آنچه را از عمل خیر و شایسته انجام داده حاضر می بیند و دوست می دارد میان او و آنچه از اعمال بد و ناشایسته انجام داده فاصله دور و زیادی باشد و خداوند شما را از (نافرمانی و عذاب) خود برحذر می دارد و خدا به بندگان رؤف و مهربان است.

رابطه مثبت عملی با آخرت دارای مراتبی است، و شدت و ضعف در رابطه مثبت عملی با آخرت وابسته به حدّ انقطاع از دل بستگی به عالم طبیعت است. هر قدر حرکت نفس خالی از شوائب و انگیزه های مادی باشد و دواعی حرکت جنبه

دوره نهم، شماره هفتم / ۵۵

انسانی و الهی داشته باشد و اعمال ارادی از وابستگی بیشتری به خواست خدای متعال برخوردار خواهد بود و در صورت انقطاع کامل شدیدترین مرتبه مثبت را خواهد داشت، و برعکس هر اندازه اعمال از انگیزه‌های طبیعی، حیوانی و دنیوی بیشتری برخوردار باشد رابطه مثبت ضعیف تر می شود تا جایی که رابطه مثبت به صفر می رسد بلکه احیاناً زیر صفر قرار می گیرد که در این صورت صفت کاملاً منفی پیدا می کند. به هر حال رابطه مثبت با آخرت زنده کننده عشق و امیدواری به لقاء خداوند است و ثمره این امیدواری عمل صالح است^۱ و بسوی او بالا

۱. ... فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ

بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا، سوره کهف، آیه ۱۱۰.

می‌رود سخنان پاکو خوب، و عمل صالح را بالا میبرد.^۱ و آثار بسیار مثبت دیگری که در اخلاق شخص ظهور فعلی پیدا می‌کند.

رابطه منفی با آخرت

رابطه منفی با آخرت نیز دارای دو بُعد می‌باشد:

۱. بُعد علمی

۲. بُعد عملی

بُعد علمی رابطه منفی با آخرت یا ابتدایی است و یا این که در ضمن رابطه منفی عملی با آخرت پیدا می‌شود.

۱. إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ، سوره فاطر،

دوره نهم، شماره هفتم / ۵۷

بُعد علمی رابطه منفی ابتدایی اینست که شخصی که منکر معاد و حشر و نشر و در قیامت است دنیا در نظر او مقصد ذاتی و نهائی می باشد. و تمام شوون زندگی و خواسته وجودیش را در محدوده اسباب دنیوی و وسایل مادی طلب می کند. به عبارت دیگر انکار و تکذیب معاد نوعی شناخت را در مورد دنیا و زندگی در ذهن انسان به وجود می آورد. به این نحو که دنیا را به عنوان مقصد حقیقی می شناسد. حقیقت و واقعیت خویش را در شعاع دید دنیوی توجیه و تفسیر می کند. به گونه ای که تسلیم محض دنیا می گردد و هر مسأله ای که از مرز دنیا می گذرد و خارج از مرز حواس و مسائل دنیوی باید تحلیل شود؛ آن را به مسخره گرفته و غرور

حاکم بر او مانع از اندیشه و حرکت علمی و شناختی به سمت آن می شود. و در نتیجه چنان در چاه عمیق دنیا قرار می گیرد که حیات را در انحصار حیات دنیوی قرار می دهد. و می گوید: *إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَ نَحْيَا وَ مَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ^۱*: زندگی جز این چند روزه حیات دنیوی بیشتر در کار نیست که پیوسته گروهی از ما می میرند و نسل دیگری جای آنها را می گیرند و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد. بسیار می شود که انکار معاد متکی بر احساسگرایی شخص است. انحصار شناخت در احساسگرایی نتیجه آن غالباً انکار معاد است، و استدلال پوچی است که در مقام تکذیب قیامت بیان

دوره نهم، شماره هفتم / ۵۹

می دارند اَيَعِدُّكُمْ اَنكُمْ اِذَا مِتُّمْ وَ كُنْتُمْ تُرَاباً وَ عِضَاماً
اَنكُمْ مُخْرَجُونَ، هَيَّاهُتَ هَيَّاهُتَ لِمَا تُوْعَدُونَ؛^۱ (آیا این
مدعی رسالت) به شما وعده و نوید می دهد که پس
از آن که مردید و خاک و استخوان شدید، حقیقتاً
شما (از قبر) بیرون میآئید (باز زنده می شوید) از
خاک سر بر می آورید؟! چه دوراست چه دور
وعده‌هایی که به شما داده می شود.

از آیه فوق به خوبی استفاده می شود که
شخص منکر معاد، حقیقت انسان را حقیقتی جسمانی
می شناسد. و چنین درکی را محور استدلال خویش
قرار داده است و فکر می کند که این بدن می پوسد
از بین می رود. و نتیجه می گیرد، که آنچه می پوسد

عودت و بازگشتی ندارد. پس قیامت تحقق می‌خواهد داشت. در اینجا شناخت از مرحله حسی می‌گذرد و جهت و همی و خیالی محض پیدا می‌کند، آنگاه زندگی و مسائل دنیوی و خواسته موجود در انسان بر اساس و هم و خیال مورد درک و فهم قرار می‌گیرد. که نتیجه آن جز خسران نیست. قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا؛^۱ (ای رسول ما) بگو که می‌خواهید شما را به زیانکارترین مردم در کارهایشان آگاه سازم؟ زیانکارترین مردم آنهایی هستند که سعی و کوشش خود را در راه حیات دنیای فانی تلف و

دوره نهم، شماره هفتم / ۶۱

تباه کردند و اینان چنین می‌پنداشتند و گمان می‌بردند
که نیکوکاری می‌کنند.

اُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ
أَعْمَالُهُمْ، فَلَا نَقِيمَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا؛^۱ آنها دنیاطلبانی
هستند که به آیات خدای خود کافر شدند و روز معاد
و ملاقات جزای خدا را انکار کردند، به همین جهت
تمام اعمالشان تباه گشته و روز قیامت آنها را هیچ
وزنی و ارزشی نخواهیم داد.

فروافتادگان در و هم و خیال که بر کبر پنداری
خویش تکیه کرده اند و بر بافته های دنیوی خویش
دل خوش هستند؛ و با انکار معاد و لقاء خدای یکتا
قلم بطلان بر دین و پیام فرستادگان الهی (که از

وابستگی ارادی دنیوی نهی کرده مردم را به وابستگی ارادی الله فرا می خوانند) می کشند در پایان حرکت دنیوی خویش جایگاهی جز جهنم نخواهند داشت.

ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوا وَ اتَّخَذُوا آيَاتِي وَ

رُسُلِي هُزُوًا؛^۱ این است سزا و جزایشان جهنم به سبب کفرشان (و انکار حق) و به اینکه به استهزاء و به مسخره گرفته آیات من و رسولانم را.

برخی رابطه منفی آنها در بُعد علمی با آخرت

در ضمن رابطه عملی منفی پیدا می شود.

اینان افرادی معتقد به معاد هستند، قیامت،

حساب، میزان، حشرو... را قبول دارند؛ لکن به خاطر

حفظ بعضی از منافع دنیوی و تناقص آنها با اعتقاد به

دوره نهم، شماره هفتم / ۶۳

عالم آخرت به توجیه غیرمنطقی مسائل اخروی و کیفیت حسابرسی، صراط و میزان و... می پردازند، تا با خاطری آسوده به منافع دنیوی خویش نایل شوند و هم این که در آخرت از عذاب الهی رهایی یافته و به نعمتهای بهشتی دست یابند، غافل از این که نظام الهی، نظامی دقیق بوده که با تفسیر و توجیه آن گروه تغییر نمی کند و سستی ثابت است که در آن تبدیل حاصل نمی شود در نظام حاکم بر قیامت چنین مقرر شده است که آنانی به سعادت اخروی نائل می شوند که صراط مستقیم عبودیت را در دو بُعد اندیشه و عمل پیموده باشند^۱ و آنهایی که گرفتار نعمتهای

۱. اَنَّ اللّٰهَ يَدْخُلُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ جَنَّٰتٍ تَجْرٰى مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ وَيُحَلَّقُوْنَ فِيْهَا مِنْ اَسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ وَّلُوْلُوْا وَّلِبَاسُهُمْ

آخروی می گردند بر صراط نفس اماره و پرستش دنیا گام نهاده و از مسیر بندگی الله خارج شده اند.^۱ توجیه و تفسیر مسائل آخروی به نحوی که مقدمات کار و عملی را فراهم آورد؛ که مورد تأیید شرع و عقل نباشد. و راه ارتکاب گناهی رابه روی شخص باز کند. تفسیر و فهمی دور از واقعیت و حقیقت موجود در عالم آخرت خواهد بود. زیرا که اسلام بعنوان راه عبودیت و بندگی خدا و وابستگی خالص ارادی به او پاک و منزّه از مطلب و مسأله ای که

فیها حریر. سوره حج، آیه ۲۳.

۱. اِنَّكُمْ وَا مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ اَنْتُمْ لَهَا وَا رِدُونَ. سوره انبیاء، آیه ۹۸؛ وَمَنْ يَعْصِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهُ فَاِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيْهَا اَبَدًا. سوره جن، آیه ۲۳.

دوره نهم، شماره هفتم / ۶۵

مقدمه و یا وسیله خروج انسان از اصل بندگی خدا
شود.

به همین جهت در جایی که مسأله ای طرح
شود و یا مطلبی از مسائل دینی را به گونه ای توجیه
و تفسیر کنند که سبب خروج از مسیر عبودیت شود،
کشف از باطل بودن و صحیح نبودن آن تفسیر و
طرح آن مسأله خواهد کرد. بنابراین در صورتی که
شخص معتقد به قیامت، مسائل اخروی را به گونه ای
تفسیر کند و رابطه علمی اش به نحوی باشد که سبب
گرفتن حقی از مردم و افتادن در هواهای نفسانی و
شهووی شود و شخص را از یاد خدا غافل گرداند. آن
تفسیر و رابطه علمی منفی بوده و بطلان آن حتمی
است انگیزه چنین تفسیری گاهی در ضمن برخورد

با اعمالی است که جز با تغییر محتوای مسائل دینی نمی توان مرتکب آن شد. نظیر توجیه و تفسیری که منافقین^۱ از آخرت داشتند. آنها آنگاه که اعتقاد به آخرت را منافی با اصول مارکسیسم و اهداف سیاسی خود دیدند به توجیه و تفسیر غلط از آخرت پرداختند.^۲ آنها برای رسیدن به اهداف مادی و سیاسی خویش چنانکه ترور و قتل را چون اربابان غربی و شرقی خود جایز می دانستند از تحریف واقعیتها نیز باکی نداشتند. اینان و کسانی که به هر نحوی آخرت را به لحاظ اهداف دنیوی خویش

۱. آنانی که در پوشش به اصطلاح مجاهدین خلق بزرگترین ضربه را با اعمال زشت منافقانه خویش بر پیکر مسلمان ایران زدند و می زنند.

۲. به کتاب «شناخت» آنها صص ۶۶ - ۶۷ رجوع شود.

دوره نهم، شماره هفتم / ۶۷

تفسیر و توجیه می کنند؛ مصداق بارز آنهایی هستند که محبت دنیا را بر محبت آخرت ترجیح دادند و در حکم همان افرادی هستند که جز خسران و زیان در آخرت نصیبی ندارند.^۱

...وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ: وای بر

کافران از عذاب سخت و شدید الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ؛^۲ آنانی که محبت زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح دهند و (مردم را) از راه خدا باز دارند و (با ایجاد شک و شبهه و تفسیرهای

۱. سوره نمل، آیه ۴ و ۴.

۲. سوره ابراهیم، آیه ۲ - ۳.

غلط) آن راه را منحرف و کج گردانند، آنان گروهی در نهایتِ گمراهی هستند.

بُعد عملی رابطه منفی با آخرت

رابطه منفی عملی با آخرت احیاناً معلول رابطه منفی علمی با آن جهان است. به بیان روشن تر رابطه منفی عملی یا ناشی از انکار آخرت و یا منشأ آن تفسیر و توجیه غیر واقعی از مسائل قیامت است. رابطه منفی با آخرت در بُعد عمل، قبل از آن که اثر منفی در منکرات موت، عالم برزخ و قبر و عالم قیامت بگذارد اثر منفی بر زندگی دنیوی شخصی دارند. به طور فشرده به آن اشاره می کنیم.

اثر منفی در زندگی دنیا

شخص منکر معاد و یا کسی که تفسیری غیر صحیح از مسائل معاد دارد؛ راه هر گونه گفتار، رفتار و اندیشه دور از شأن انسانی را به روی خویش باز گذاشته است.

او فرقی بین راستگویی و دروغگویی، امانتداری و خیانت، خداپرستی و شرک، یکرویی و نفاق و... نمی بیند و چه بسا صفات رذیلت در نظرش جلوه ای بهتر داشته باشد، بدان جهت که راه رسیدن به مقاصد دنیوی و هواهای نفسانی را هموار کرده و حرکتش را سریعتر می کند، در نتیجه از ظهور کمال انسانی باز می ماند و به مطلوبی نایل می شود که نسبت به مرتبه انسانی منفی می باشد. دور شدن

از خدا، دیانت، عزت انسانی و... از جمله آثار منفی، وابسته به آن مطلوب است. و نیز از جمله آثار منفی انکار یا توجیه خلافِ مسأله معاد اینست که شخص احياناً اعمال زشت را زیبا می بیند و این بدان جهت است که در اندیشه اصلاح خویش نیست و غافل از حقیقت انسانی موجود در خود می باشد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: **فَمَنْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ نَفْسِهِ تَحَيَّرَ فِي الظُّلُمَاتِ وَارْتَبَكَ فِي الْهَلَكَاتِ وَ مَدَّتْ بِهِ شَيَاطِينُهُ فِي طُغْيَانِهِ، وَ زَيَّنَتْ لَهُ سَيِّئِ أَعْمَالِهِ، فَالْجَنَّةُ غَايَةُ السَّابِقِينَ، وَ النَّارُ غَايَةُ الْمَفْرُطِينَ؛**^۱ کسی که خود را به غیر خویش مشغول کند در تاریکیهای - غفلت و ناآگاهی و هواهای نفسانی - متحیر و سرگردان

دوره نهم، شماره هفتم / ۷۱

خواهد ماند و در نابودیها و نیستیها فرو خواهد رفت
و شیاطین (حاکم بر) او، او را به طغیان و سرکشی
موجود در نفسش می کشانند و اعمال زشتش را زیبا
جلوه می دهند. پس بهشت غایب و هدف سبقت
گیرندگان به ایمان و عمل صالح است و جهنم غایب
افراط گران است.

انسان منکر معاد یا شخصی که تفسیری
ناصحیح از معاد دارد، خود را مهمل گذاشته و چنین
می اندیشد که به خود واگذاشته شده است، و این
بدترین اثر منفی است که پیامدهای نامطلوب و
غیرانسانی را در زندگی فردی و اجتماعی و... بدنبال
می آورد. ظهور فعلی اثرات منفی در هنگام مرگ، و

بعد از انتقال به عالم برزخ و نیز در عالم قیامت به صورت عذاب است.

انکار معاد و یا تفسیر غیر صحیح، مسائل اخروی اثری منفی در هنگام مرگ و خروج روح از بدن می گذارد. آنها به جهت علاقه و دلبستگی به دنیا در حالت ترس و حزن هستند. ترس و وحشت نسبت به دنیایی که برای خود فراهم آورده اند و اینک می خواهند از آن جدا شوند و آینده ای که در پیش رو دارند و حزن و اندوه نسبت به گذشته و لذات و شادیهایی که در آن بوده اند و به اتمام رسیده و دستشان از آنها کوتاه گشته است. البته حالت حزن و ترس دو حالتی است که در تمام دوران زندگی با آنها همراه بوده است افراد دنیا طلب به جز مواردی که

دوره نهم، شماره هفتم / ۷۳

سرگرم بازیهای دنیوی هستند در بقیه اوقات محزون
از لذّات از دست رفته و دارای ترس از آینده مجهول
می باشند. سرگرمی های دروغین دنیوی و زودگذر
مانع ظهور فعلی حزن و ترس است و بمحض اینکه
پایان رسید اندوه از آنچه گذشته است و ترس از
ناامنی آینده در نفسش آشکار می شود. تنها اولیاء خدا
هستند که به بیان قرآن مجید حزن و ترسی ندارند^۱ و
در حال احتضار و فرا رسیدن مرگ فرشتگان او را
بشارت به بهشت می دهند^۲ شخص فرو رفته در دنیا
و لذّات دنیوی که بسیار سخت جان می دهد، در
حالی که فرشتگان مرگ او را می زنند، جان می

۱. سوره یونس، آیه ۶۲.

۲. سوره فصلت، آیه ۳۰.

۷۴ / رابطه انسان با اجتماع

سپارد^۱ و به این نحو آنگاه که وارد عالم آخرت شوند و زمان قیامت فرا رسد. در آنجا رابطه منفی خویش را با عالم آخرت ببینید.^۲ و^۳.

۱ . سوره محمد، آیه ۲۷.

۲ . سوره اسراء، آیه ۹۷ ؛ ... وَ نَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِّيًّا وَبِكُمًّا وَصُمًّا مَا وَبِئِهِمْ جَهَنَّمَ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا.

۳ . برای شناخت اثرات منفی رابطه عملی منفی با آخرت به کتب مفصل رجوع شود.